

10403 - سوال های سه گانه ی قبر

سوال

سوال هایی که در قبر از انسان می شود و از آن به خداوند پناه می بریم چیست؟

پاسخ مفصل

اولا: هرگاه فرزند آدم بمیرد و روحش بیرون رود و در قبرش گذاشته شود آنگاه در نخستین مرحله از مراحل آخرت خواهد بود، زیرا قبر نخستین منزلگاه آخرت است.

از هانی، وابسته ی عثمان بن عفان روایت است که هرگاه عثمان کنار قبری می ایستاد چنان می گریست که محاسنش خیس می شد. به او می گفتند: بهشت و دوزخ را یاد می کنی اما نمی گویی، و برای این گریه می کنی؟ می گفت: رسول الله ﷺ فرمود: **«قبر نخستین منزل از منازل آخرت است؛ اگر بنده از آن نجات یابد آنچه پس**

از آن خواهد بود آسان تر است و اگر از آن نجات نیابد، پس از آن سخت تر خواهد بود» و رسول الله ﷺ فرمودند: **«هیچ منظره ای را ندیدم مگر آنکه قبر وحشتناک تر از آن بود»** ترمذی (۲۳۰۸) و ابن ماجه (۴۵۶۷).
آلبانی در صحیح الجامع (۱۶۸۴) آن را حسن دانسته است.

ثانیا: دو ملائکه ی موکل به نزد او می آیند و از وی درباره ی آنچه در دنیا معتقد بوده یعنی درباره ی پروردگارش و دینش و پیامبرش از او می پرسند؛ اگر جواب نیکی داد خیر است، و اگر پاسخشان ندهد او را به سختی می زنند و به درد می آورند.

اگر از اهل صلاح بود ملائکه ای سفیدروی به نزد او می آیند و اگر از اهل فساد بود ملائکه ای سیاه روی به نزد او می آیند و این فتنه ای است که دچارش می شود.

از عائشه . رضی الله عنها . روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: **«اللهمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ وَالْمَغْرَمِ وَالْمَأْتَمِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ وَفِتْنَةِ النَّارِ، وَفِتْنَةِ الْقَبْرِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ وَشَرِّ فِتْنَةِ الْغَنِيِّ وَشَرِّ فِتْنَةِ الْفَقْرِ وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْ خَطَايَايَ بِمَاءِ الثَّلْجِ وَالْبَرْدِ وَنَقِّ قَلْبِي مِنَ الْخَطَايَا كَمَا يَنْقِي الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ وَبَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ»** یعنی: ای الله من از تنبلی و پیری و بدهکاری و گناه به تو پناه می برم. خداوندا به تو پناه می برم از عذاب آتش و فتنه ی آتش و فتنه ی قبر و عذاب قبر و شر فتنه ی ثروت و شر فتنه ی فقر و از شر فتنه ی مسیح دجال. خداوندا گناهانم را با آبِ

برف و تگرگ بشوی و قلبم را از گناهان پاک گردان چنانکه لباس سفید از چرک پاک می شود و میان من و گناهانم چنانکه میان مشرق و مغرب فاصله انداخته ای، جدایی انداز» بخاری (۶۰۱۴).

ابن حجر می گوید: منظور از «**فتنه ی قبر**» سوال دو فرشته است. (فتح الباری: ۱/۱۷۷).

مبارکفوری می گوید: «**یعنی: حیرت زدگی در پاسخ به دو فرشته**». (تحفة الأحوزی: ۹/۳۲۸).

ثالثاً: اما اینکه آن دو ملائکه در قبر از انسان چه سوالاتی می پرسند، در این حدیث بیان شده است:

براء بن عازب . رضی الله عنه . می گوید: برای تشییع جنازه ی مردی از انصار، همراه با رسول الله ﷺ رفتیم. وقتی به گورستان رسیدیم، مردم مشغول حفر لحد بودند. رسول الله ﷺ رو به قبله نشست و حاضرین گرد او نشستند. ما چنان بی حرکت به سخنان آن حضرت گوش می دادیم که گوئی بالای سر ما پرندگان نشسته اند. رسول الله ﷺ در حالی که چوب کوچکی در دست داشت و آن را پیش روی خود در زمین فرو می برد و گاهی بسوی آسمان و گاهی به زمین نگاه می کرد، فرمود:

«استعیدوا بالله من عذاب القبر، (مرتین او ثلاثاً) ثم قال: اللهم إني أعوذبك من عذاب القبر (ثلاثاً)»

(از عذاب قبر، به خدا پناه جوئید. این را سه بار فرمود، سپس گفت: پروردگارا! از عذاب قبر به تو پناه می آورم)

سپس فرمود: «بنده ی مومن، وقتی از این دنیا بسوی آخرت می رود، فرشتگانی با چهره های درخشانی مانند خورشید از آسمان بسوی او فرود می آیند. آنان کفن ها و مواد خوشبوئی از بهشت همراه دارند. تا جائی که چشم مومن کار کند اطراف او می نشینند. سپس، ملک الموت (فرشته ی مرگ) می آید و بالای سرش می نشیند و می گوید: ای روح پاک (و در حدیثی دیگر، ای نفس مطمئنه) بشتاب به سوی مغفرت و خوشنودی ای که از جانب الله برای تو مهیا شده است. روح آن مومن مانند چکیدن قطره از مشک آب بیرون می شود و فرشته ی موت آن را می گیرد. (در روایتی آمده : هر وقت روح مومن بیرون می آید، تمام فرشتگان موجود میان زمین و آسمان و تک تک فرشتگان آسمان برای او دعای مغفرت می خوانند. تمام درهای آسمان برای او باز می شوند. دربانان آسمان، تمنا می کنند که آن روح از ناحیه ی آنها به آسمانها برده شود) وقتی فرشته ی موت روح او را قبض می کند، فرشتگان حاضر، بلافاصله آن را از او گرفته و در کفن های بهشتی می گذارند و با مواد خوشبوئی که همراه دارند آن را معطر می سازند. آیه ی **﴿تَوَفَّنَهُ رُسُلَنَا وَهَمَّ لَّا يَفْرَطُون﴾** (فرشتگان ما کوتاهی ننموده و جان او را می گیرند). به همین معنی اشاره دارد. چنان عطر و بوی خوشی از کفن ها بیرون می آید که نظیر آن هرگز بر روی زمین دیده نشده است. فرشتگان آن روح را به آسمان ها می برند. از کنار هر گروهی از فرشتگان که می گذرند، آنها می گویند: **«ما هذا الروح الطيب»**؟ این روح پاکیزه از آن چه کسی است؟ فرشتگان در جواب با ذکر بهترین نامی که او در

دنیا داشته است می گویند: فلانی فرزند فلانی است. وقتی به آسمان دنیا (نزدیک ترین آسمان به زمین) می رسند، دروازه‌ی آسمان گشوده می شود. فرشتگان مقرب هر آسمان تا آسمان دیگر آن را تشییع می کنند تا زمانی که به آسمان هفتم می رسند. خداوند متعال می فرماید: اُكْتَبُوا كِتَابَ عَبْدِ فِی عَلِیِّین (کتاب [اعمال] بنده‌ی مرا در علیین بنویسید). کتاب او در علیین نوشته می شود. بعد از جانب خداوند حکم می شود: او را به زمین برگردانید، چرا که من وعده کرده‌ام که: آنان (انسانها) را از زمین آفریده و به زمین برگردانم و بار دیگر آنها را از زمین بیرون بیاورم. هنگامی که روح بسوی زمین برگردانده شود، و دوباره در جسد قرار گیرد صدای پای دوستان و خویشاوندان خود را که تازه از دفن فارغ شده‌اند و بر می گردند، می شنود. بلافاصله دو فرشته بصورت ترسناک نزد او می آیند. او را می نشانند و از وی می پرسند: «من ربك»؟ پروردگارت کیست؟ می گوید: پروردگار من الله است. می پرسند: دینت چیست؟ می گوید: دین من اسلام است. سوال می کنند: این مرد که میان شما مبعوث شده است، چه کاره است؟ می گوید: او رسول خدا ﷺ است. سوال می کنند: در دنیا چه عمل نموده‌ای؟ می گوید: قرآن خدا را خواندم و به آن ایمان آوردم و آن را تصدیق کردم. آن فرشتگان بار دوم با خشونت تمام همان سوالها را تکرار می کنند. این آخرین امتحانی است که بر انسان مومن عرضه می شود. آیه‌ی **﴿يَتَّبِعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾** به همین لحظات حساس و خطیر اشاره دارد. مرد مومن همان پاسخ ها را تکرار می کند. از آسمانها ندا می آید: «بنده‌ی من راست می گوید. فرش بهشتی برایش پهن کنید و لباس بهشتی بر او بپوشانید و دری به سوی بهشت برایش بگشایید. آنگاه نسیم خوش بهشت از آن روزنه به مشامش می رسد. و تا جایی که چشمش کار می کند قبرش توسعه داده می شود. سپس مردی زیبا و خوش چهره با لباس خوب و معطر، نزد او می آید و می گوید: رضایت پروردگار و باغ‌هایی که نعمت های جاودان دارند، بر تو مبارک باد. این همان روزی است که در دنیا به تو وعده داده شده بود. انسان مومن از آن مرد خوش چهره و زیبا سوال می کند: تو چه کسی هستی؟ می گوید: من عمل صالح تو هستم. آنگاه دری از جانب بهشت و دری از جانب دوزخ باز می شود و در حالیکه به دوزخ اشاره می شود، به او گفته می شود: این (دوزخ) منزل تو بود، اگر در دنیا معصیت می کردی. اکنون خداوند در عوض آن، این بهشت (اشاره به بهشت) را به تو داده است. وقتی چشم آن مرد مومن به نعمت‌های درون بهشت می افتد می گوید: پروردگارا قیامت را هر چه زودتر برپا کن تا من سریعتر نزد فامیل و مال خود برگردم. به او گفته می شود: آرام بگیر.

اما بنده‌ی کافر (و در روایتی فاجر)، وقتی از این دنیا رخت سفر بسته و راهی دیار آخرت می شود، فرشتگانی با چهره‌ای بسیار تند و خشن و زشت، در حالی که لباس خشن که از مو بافته و با آتش آمیخته است در دست دارند، از آسمان نزد او می آیند و تا آنجائی که چشم او کار می کند پیرامون او می نشینند. سپس، فرشته موت می آید و نزد او می نشیند و می گوید: ای روح پلید! بسوی خشم و غضب خدا بیرون شو. روح در تمام جسد متفرق می شود. سپس آن روح مانند درخت خاردار که شاخه های زیادی داشته باشد و از میان پشم های خیس خارج شود، بیرون می آید همراه با بیرون آمدن آن، همه رگهای بدن پاره می شوند. تمام فرشتگان موجود از زمین تا آسمان بر

او لعنت می فرستند. درهای آسمان به روی او بسته می شوند. تمام دربانان آسمان تمنا می کنند که ای کاش آن روح از ناحیه آنان به آسمانها برده نشود. فرشته موت روح را قبض می کند، بلافاصله ماموران خداوند که در آنجا حضور دارند، آن روح را از وی گرفته در همان پارچه سیاه و خشن می پیچند و بدترین بوئی که در روی زمین دیده شده است از آن خارج می شود. فرشتگان روح را گرفته و به آسمانها صعود می کنند. به هر دسته ای از فرشتگان که می رسند، آنان سوال می کنند: این روح پلید از آن چه کسی است؟ همراهان می گویند: «فلانی فرزند فلانی است». و او را با بدترین نامی که در دنیا از وی یاد می شد، یاد می کنند. وقتی به نزدیک ترین آسمان می رسند، از مامورین آسمان می خواهند که دروازه را باز کنند، درهای آسمان برایش باز نمی شود. در اینجا رسول الله ﷺ این آیه را تلاوت نمود:

﴿لَا تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ﴾.

(درهای آسمان برای آنان گشوده نخواهد شد و آنان وارد بهشت نمی شوند. مگر این که شتر از سوراخ سوزن گذرانده شود).

آنگاه خداوند می فرماید: نام او را در لیست دوزخیان (سجین) و در اسفل السافلین (پایین ترین مکان) بنویسد و می فرماید: بنده مرا به طرف زمین برگردانید. چون من وعده کرده ام که آنان را از زمین خلق کرده و بسوی آن، برگردانم و برای بار دیگر آنان را از زمین بیرون آورم. آن روح از آسمان به زمین انداخته می شود و به درون جسد خود بر می گردد. در اینجا رسول الله ﷺ این آیه را تلاوت نمود:

﴿مَنْ يَشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا حَرَّمَ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَى بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ﴾. (هر کس که با الله

شرک ورزد گویا (به خاطر سقوط از اوج ایمان به کفر) از آسمان فرو افتاده است [و به بدترین شکل جان داده است] و پرنندگان [تکه های بدن] او را می ربایند یا اینکه تند باد او را به مکان بسیار دوری پرتاب می کند)

به هر حال روح در جسد برگردانیده می شود. رسول الله ﷺ فرمود: آنگاه که روح به جسد بر می گردد صدای پاهای کسانی که برای دفن او آمده اند و بر می گردند را می شنود.

سپس دو فرشته به صورت ترسناک نزد او می آیند. با چهره ای خشمناک و عبوس او را می نشانند و از وی می پرسند: من ربّک؟ پروردگارت کیست؟ می گوید: «هاه، هاه لا ادری» (وای وای نمی دانم). سپس می پرسند: «ما دینک؟» دین تو چیست؟ می گوید: «هاه، هاه لا ادری» (وای وای نمی دانم). سپس از وی می پرسند درباره این

مرد که به سوی شما مبعوث شده است، نظرت چیست؟ آن شخص نام رسول الله ﷺ را نمی داند به او می گویند «محمد»! می گوید: «هاه، هاه لا ادری» (وای وای نمی دانم). از مردم شنیدم که او را رسول خدا می

گفتند. فرشتگان به او می‌گویند: تو هرگز ندانستی و اعتراف نکردی. در آن هنگام منادی ای از آسمان ندا می‌دهد: دروغ می‌گوید: جایگاه او را از آتش فرش کنید و دری از دوزخ برایش بگشایید تا گرمی و تپش دوزخ به او برسد. و قبرش چنان تنگ می‌شود که پهلوهایش در هم فرو می‌رود و علاوه بر آن مردی بد قیافه با لباسهای زشت و با بوی بسیار تند و متعفن، نزد او می‌آید و می‌گوید: مژده باد تو را آنچه که ناراحتت می‌کند. این همان روز است که در دنیا وعده آن به تو داده شده بود. می‌پرسد: تو چه کسی هستی؟ می‌گوید: من همان اعمال نا پاک تو هستم. به خدا سوگند تو در انجام اطاعت پروردگار بسیار کوتاهی می‌کردی ولی در ارتکاب گناه شتابان بودی. خداوند نیز پاداش جزای کارهای بدت را می‌دهد. سپس ماموری نابینا، کر و لال بر او گماشته می‌شود و چوبی در دست دارد که اگر بر کوه بزند به خاک مبدل گردد. با همان چوب یک ضربه، بر او وارد می‌کند به طوری که او را خاکستر می‌کند. خداوند بار دیگر او را به حالت اول برمی‌گرداند. بار دیگر مورد ضربه قرار گرفته و چنان به آه و ناله در می‌آید که جز انسانها و جن‌ها، سایر موجودات صدای او را می‌شنوند. سپس از طرف دوزخ دری برایش باز می‌شود و فرش آتشی برایش انداخته می‌شود. او از ترس مراحل بعدی می‌گوید: پروردگارا هرگز قیامت را برپا نکن»

به روایت احمد (۱۸۰۶۳) و ابوداود (۴۷۵۳). علامه آلبنی در «**صحیح الجامع**» (۱۶۷۶) آن را صحیح دانسته است.

بنابراین، صحیح این است که دو فرشته تنها درباره‌ی امور توحید و عقیده از میت سوال می‌کنند که واضح و آشکار است.

والله اعلم.